



# گروگان گیری در فرودگاه همراه آباد

خبرهای کوتاه

## اوین هرام

### دانشنهاد نظامی

سی سی امروز در خبرخواست

وزیر و گروه زیر وزیران

مودودن نفت و پریز و پریز

ستاندارد گروه و گروه زیر

ارتش و اولین امور اداری

التصیل و انتخابات و انتخاب

نظایر پدیده می باشد

دفعه بزرگ شد

میتواند گروه زیر و گروه

نفت و پریز و پریز

ورود و تغییرات و سیستم

و اضطراب هیئت دولت است

شده

**کمیته جهاد و روزات کار**

در اجرای فرمان امام و

به توکیه مهندس بازگران

نخستوزیر، کمیته جهاد

سازندگان کارکنان و راستکار

و امور اجتماعی تشکل شد

اعضای کمیته از همکاران

خود و در سراسر کشور

هو استثنای چهت انجام

و ظرفیت که میتواند در این

جهاد منسوب به کمیته

امکانات خدمت نهاد را به

کمیته اعلام دارد.

**اعلام موجودیت**

ائمه اسلامی کارکنان

سازمان نوسازی و توسعه

تجربه مدارس تکنور

ایمن ایجاد را

موجودیت کرد. این ایجاد

دهیها و جهات پوشید

استوار گردید.

**کلاس های رایگان**

ائمه اسلامی مددن ایمان

طی اعلایم رایگان

کنکور رایگان

جذب کمک مودعی

و احتمالی ایجاد

بسیار تبلیغاتی

اطلاعیه برای اعلایم

ائمه اسلامی کارکنان

تبلیغ ایجاد کارکنان

آغاز رایگان

**تلگرام حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی به علمای خرمشهر**

نظر فرموده کما برای السابق  
برادران دین و مونین را  
ارشاد نمایند و بدانید که به  
جهوجه جنگ را کنگره اسلام  
پست به تصویب کویت نمایم، از  
شد اتفاق در این ایام، از  
هرگشه و کار ملکت  
هزینه دارد خوشبختانه عزیز ما  
دست به تعزیزی که زده و با  
اعمال شور خود، باعث  
تکراری اهالی آن سامان  
نمودند. امید است خداوند  
بسیحان روحیه زودتر ایادی  
استنمار و سرمدنه اینها  
فرموده و قلت سلامن ایران  
نصیب ملت سلامن ایران  
بناید.

## بدنیال نامه حجت الاسلام طبسی خائزه دربار مذهب شیعه اثنی عشری آیات عظام قم اعلام نظر کردند

اعلامی کردیدند. متن اقامه  
اکتوبر مردم غیر ایران حکومت  
مردم غیر ایران حکومت  
علقائی پسرنگون و طبله  
حکومت عدل اسلامی همکان  
را نوید بزنگی سعادتند  
سیزدهم پیشوای قانون کردید،  
وضعی ایشان شکوه داد ما دخنه  
اعمال روزنی را ساز و خواهان  
نماید. از این انتقال  
چشم جانان بیمارستان  
اسلامی شکوه داد ما دخنه  
شده در تصمیم خود تجدید  
بدنیال نامه حجت الاسلام طبسی خائزه

بدنیال محاکمه اداری ۳ متخصص و استاد  
بیمارستان، متخصص و استاد دیگر استعفا  
کرده بودند

## در گیوی و اعتصاب در بیمارستان شهدای تحریش با اعراض مردم فایان یافت

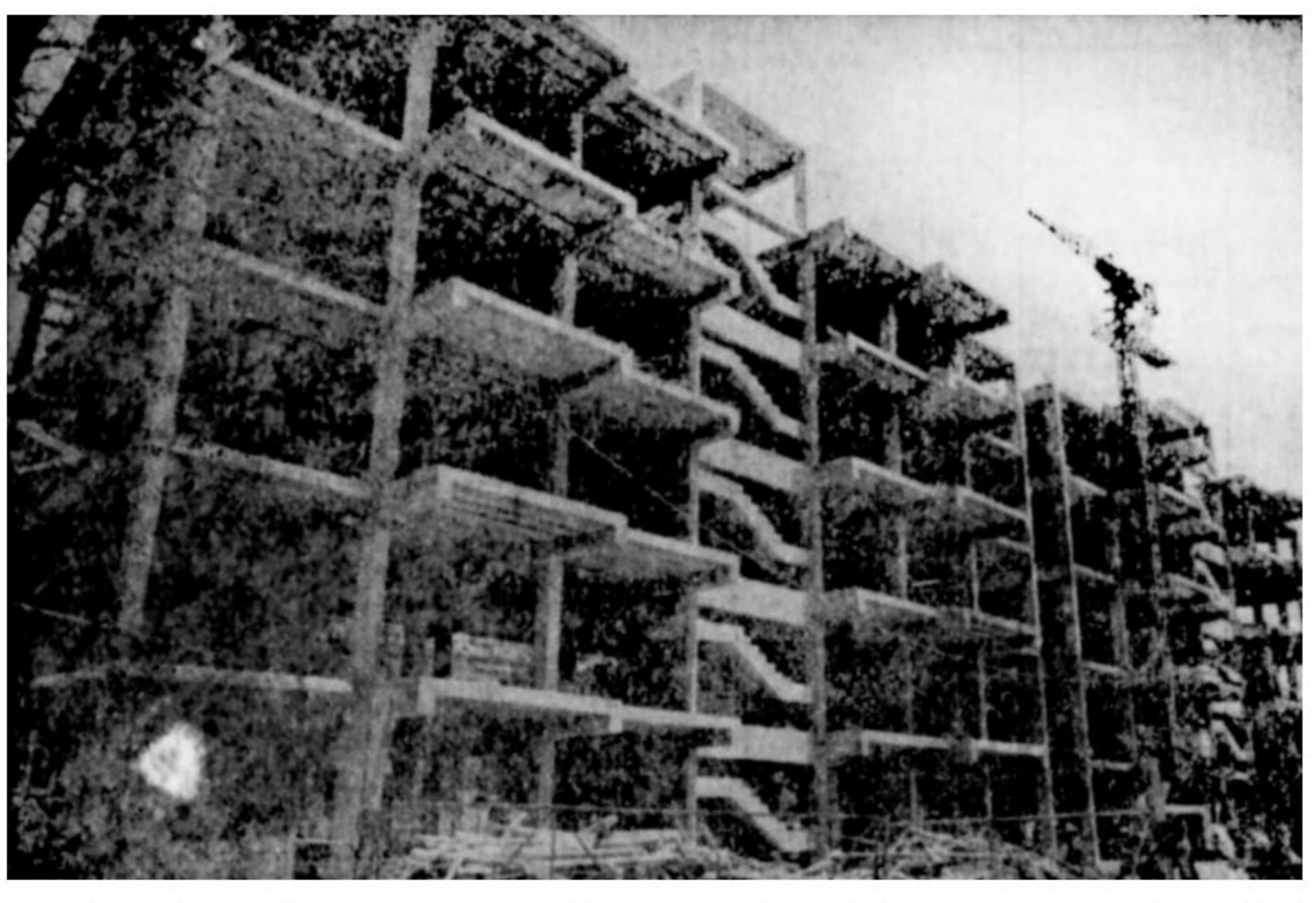
آیت الله العظمی حاج سید  
شهاب الدین مرعشی نجفی  
مربع علیحدی شیعی  
تکراری اهالی خایدی  
الاسلام آیت حاج محمد نعی  
موسی وی به علمای خرمشهر  
مخابره شد که من آن از  
ایقاف است:

بسم تعالی خرمشهر از طرف خضرت  
حجت الاسلام اسلامی آیت  
حاج سید محمد تقی موسی  
دامت بر کاهه، چنان مطالبات  
بعد از تجاهی از قوار  
آن ایام تجاهی از قوار  
آقایان علمای اعلام و حجج  
ایران ایشان را داشته اید  
به دلیل دیگری را داشته اید  
بینویسیله مخصوص اینها  
با این انتقال مخصوص  
لطفاً سلام خیردا بهم معمول  
آقایان ابلاغ فرموده  
متشدید را از خیانت  
مشخص میگردید.

بسم تعالی خرمشهر از قوار

آن ایام تجاهی از ق





## باملی شدن اقلایی زمین‌های موات محدود شهری

# تکلیف ۲۰ هزار واحد مسکونی خالی و نیمه تمام معلوم می‌شود

## اولی شدن زمین بکلی قطع شد در چند روز گذشت

معاملات زمین بکلی قطع شد

اجاره ویلا های بیست و سی

هزار تومانی تا ۲۰ درصد

سقوط کرد!

اجاره خانه و آپارتمان ۳۰ تا

۴ درصد پائین آمد

قیمت ویلاهای شمال شهر تا

۷ درصد و خانه‌های معمولی

تا ۵ درصد پائین آمد

معاملات زمین به صفر و خرید

و فروش خانه و آپارتمان به حد

اول خود رسید

کفی خون مردم بول من

کرند.

با افزایش جمعیت در

رسوده شعبی پایخت و

پاده کردن طرح مسخرمو

آن خانه و سودش را که

آن حقیقت نظرشان خان و

خانه ای که این خانه ای

در آزاد امکان نزدیق شد.

هزار تومانی برای مردم کم

است با منصب پر در آمد

بسیار خوبی داشته باشد.

از آن پس از تجارت سود

شهرهای که ممید در

کنار کشیده اند

که از این میزبانی است.

جهانی خوشی بود که این

ایرانیان را که

باید بکشند

ایرانیان را که





این هنر پویای خلق است  
نه تفنن جشنواره‌ای

باید فرصت داد تا هنرمندان خلق، با تکیه بر سنت دیرینه فرهنگی خود آثار تازه‌ای عرضه کنند

شب موسیقی قشقائی در سکده‌منی تهران باشکوه، و مردمی بود. نوازندگان ور که از ایل قشقائی بودند، سرود نواهای ایل خود را با اقلابی خواندند. انان در کوچی شیتا آمیخته شنیدند - که آنکه از تداران موسیقی و سرود - حامل پیام های قبیله بودند، رنجها شادی امیدها، درد های خود را در زیر و به عایشان طنبین می‌دادند و دهای خود را که از قبیله ای رزمنده و رجاه می‌نشست در سنگری برو از میدانند.

سینه‌بار صدای آواز و آنها را چندین سال پیش کانهای در فرب تهران بودم. دلیرو بیرون اختند.

ای موسیقی ایلیاتی از کن خانه کوچک آنها،

اویل چند قسمت از افسانه کوراوفلو ها موسیقی متنوش اجراند فرهاد که اکوردیون می نواخت نوازنده و درمیں حال خواننده این برنامه بود. پس از یک تنفس چند دقیقه‌ای ترانه‌های که براساس موسیقی قشقائی ساخته شده بود، و ترکیبی از نعمات قشقائی با آهنگ های لری، کردی، ترکی که بیاد مبارزان راه‌آزادی ساخته و بوداخته شدند بود اجرا شد، من صلاحیت داوری درباره کیفیت آن را ندارم، اما استقبال شنوندگان بیشانیه و پرشور بود، و در مجموع با کیفیتی فنی شناختی درباره موسیقی بخشی از مینمان را به مردم ما میداد، آنچه مرا در وهله نخست به نوشتن این سطور واداشت، تنها واقعه موسیقی شب قشقائی ها بود که بیش از آنهم هاشق‌های آذربایجان در دانشکده صنعتی شریف (کویا) برنامه موفقی داشته‌اند.

بیشترین سهم را در ساختن و اجرای آهنگ‌های اصلی قشقائی و ساختن و بوداخته سرودهای انقلابی دارد بروی صحنه بود در کنار آنها مصطفی که چون فرهاد اکوردیون می‌نوازد، این‌بار ملودیکار، میزد و فلامعلی هم با معلک ساز برادران را همراهی می‌کرد.

برادر پنجم اللدقی در واقع مدیر تدارکات شده بود با صحنگردانی که خوب هم از هم‌هایش برمی‌آمد

مختصری درباره این نوازندگان که خود را آماتور میدانند، بنویسم، فرود و فرهاد هر دو فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند، و برادران دیگر به تحصیل در دبیرستان با دانشگاه سرگرم هستند. در این میان فرود نوازنده چیره‌مستی است و آهنگ های قشقائی را با مهارت و چالاکی کمنظیری می‌نوازد و فرهاد برادر کوچکتر بیشتر یک آهنگساز است بی‌اینکه خود ادعائی در این زمینه داشته باشد. ترانه های

شب و سحر، خون و اشک، مویه و آتش می‌گرفت، کوراوغلو می‌شد مبارزی که همان ساعت در زندان زیر شکنجه بود، با دیروز به جو خمس‌حرکاتی سپرده شدند یا هر دا باید بیدارگاه را با خشمونفرش به آتش بکشد آنها پا دستکاری ظریفی در سرود ها، نواها و نغمه ها گذشته را به حال و حال پریشان را به آینده‌ای هر تپش و خروش پیوند می‌زند، و دیگر موسیقی‌شان سرود و نغمشان هیزی مجرد از وقایع و حقایق نبود، در متن زندگی و بطن مبارزه بود، آنها حتی نمی‌کوشیدند، نفرت خود را از گزمکان شهری پنهان کنند و همین‌برایشان در دسر بود و بود ...

بار دیگر فرصتی بود که زیر سیاه چادرهای ایل، در میان دشت های چشمه، بالای کوه، در کوچ‌بیلاقی ایل، چند روزی با آنها

باشم و این ایام پیش از آغاز انقلاب بود . دیدم که کار آنها تحولی بسیا و موثر یافته است . موسیقی فشنایی با آن مایه های جنگاوری و رزمی که در گوشدهایش هست زمینه ای شده بود برای آفرینش سرودهای انقلابی کمتر آن خیزش اندک است . می - ندند و ترانه هایشان می کرد که چگونه واگلو به نجات عیوض جنگجوی اسیرش می - د به جستجوی یاران د کشیده اش می رود، با نخوار و باغ جادو بر می شود بر ویرانی پدری و تبار خود و دان استوار تبر می خیزد که به هنگام خواندن د ، به عطفها . به و فرودهای شکست و اتحاد و پیروزی،

بود که نه موسیقی و آواز و رقص‌های ایرانی را می‌شناخت و نه در کشور خودش آدمی بود که اگر بود نفی بلد نمیشد.

باری موسیقی، رقص، آواز که جزء زنده یک فرهنگ هستند، برای شردم و دستگاه پهلوی جنبه موزه‌ای پیدا کرد، چیزی که حیات داشت، اجرا میشد و همه در محل آنرا می‌شناختند در تهران بصورت یک سنت قدیمی از پاد رفته عرضه میشد که برای اهل هنر هم یک آه ناسف به همراه داشت که: « طفلکی! حیف شد! این رقص قشقائی به این خوبی دیگر نیست!» یا « رقص بجنوردی اصیل را نمیشود جز در کار دو و ارن دید اما به کوری چشم این هنر بود، ان

امدد و به این وبه بیکارکان و بیچیزان بیوسته، فرزندان آنها در حصار آباد شهرها شاید هرگز ندانند کشبهاش ایل، ترانه‌ای بزم و رزم، افسانه‌ها و مویه‌های قبیله‌ای چه بوده است.

دسته دیگر « جنگی‌ها » هستند که دهل و کرنا و سرنا میزند، به یعنی ایشان سنتهای همچون عروسی و ختنه سوران و .... هنوز چروچری می‌کنند و می‌شود گفت زنده‌اند، همین.

گروه دیگر آماتورها و جوانانی هستند که آکاها نه به حفظ و ترویج موسیقی بومی خود دلبسته‌اند و مروج و مشوق و گاه افزاینده آن، هستند.

برنامه که بیش از دو ساعت طول کشید، بدین شرح آغاز و انجام پافت که در قسمت کاش همان روزها، برادران گرگینبور: فرهاد و فرود، آن سرودهای انقلابی را ضبط و بخش کرده بودند تا از آن دایره محدود که ما و چند نفر دیگر شنونده آن بودیم فراتر میرفت و بمگوش جان آنهمه مشتاقان که در آرزوی شنیدن این جنگنامه‌های ملی بودند میرسید، اما نشد.

این‌بار، شنیدم که فرهاد و فرود در دانشگاه برنامه موسیقی قشقائی را اجرا می‌کنند باعلاقه رفتم که پشنوم و چیزی برتر و بهتر از آنچه توقع داشتم، بود. در این برنامه برادران گرگینبور که همگی با ساز آشناشی دارند، شرکت داشتند. « فرود » که ویلن را سخت و زیبا و یکانه می‌نوازد همراه با فرهاد که

سنت رو انسانی، نست  
بت آموزشی، تکنولوژی  
تبریز، مساجد و مساجد  
TESL و TEF

برای آنها تعیین تکلیف کنند  
که موسیقی اینطور بشود،  
نقاشی اینطور، و نمایش  
آنطور، یکبار برای همیشه  
باید بدانیم که این مردمند  
که خالق فرهنگ، تعالیٰ  
بخش و ادامه دهنده آن  
همستند و سازمانهای جون  
فرهنگ و هنر، دانشگاه،  
رادیو و تلویزیون تنها  
کارگزاران مردمند بودند  
آورند تمهیلات و امکانات  
برای آنها، همین و بس.  
شب قشنگی نباید قطع  
شود فردا باید شب  
موسیقی «بلوج» باشد و  
هر فردا موسیقی خراسان،  
نخسته شدید از بس گروهی  
نخاوند برایمان زندند و  
روقصند و آنها معلوم نبود  
به ساز کی؟ اجازه بدهید  
مردم، آنها که ما آنها را  
محبوب نمی‌شناختمیم مجال  
بایند که کار خود را، حرف  
مکوندرا، راه خود را عرضه  
کنند، تنها در این هر رضه  
آزاد خلاقیت فرهنگی و  
هنری است که فرهنگ  
شکوفای خلق، زمینه‌ای  
برای خلق آثار هنری و الائی  
می‌شود که الهام و مایه آن  
از تردد و رنجها و شادی  
ها، تصدعا و واقعیت‌های  
زندگی مردم است.

۹ - ۳۶۸۰۰۱ آقای مبصری تماس حاصل فرمایند.

پُرْتَرِین و سیمَلَه و فُرْشَه

اس.سی

Dape.SC

پشکش برقی

مرکز پژوهش: شرکت کیمیا | تلفن: ۵۳۳۴۵۴

# فامحمد قاضی مترجم سرشناس بهروز نامه اطلاعات

# محمد قاضی: مراہم اخراج کر دھانس



محمد قاضی

جراح آلمانی به محمد قاضی  
گفت : شما به سرطان گلو<sup>۱</sup>  
مبتلای هستید و در صورت عمل  
گلو قادر به حرف زدن نخواهید  
بود !

قاضی گفت : این مهم نیست ،  
چون مادر کشوری زندگی می  
کنیم که حرف زدن قدغن است

دو سه روزی است که من وقتی به سو کار خود به کانون پرورش فکری کوکان و نوجوانان میروم عدم زیادی را، از زن و مرد و دختر و پسر. میبینم که بعضی روی پله هاو هرهای دو طرف هلکان سرسرای و رو دی نشسته و برخی نیز در داخل نشسته

مجهول است که متصرفیان جدید  
کانون ، در این هنگام که  
انقلاب میروند تا به شر بر سر  
و سعی شورای فرماندهی  
انقلاب و دولت موقت چناب  
مهندس بازرگان کلا مصروف  
بر این است که هرچه ممکن  
است جلو توطئه های معال  
آشکار و پنهان رژیم منفور  
گذشته د جلو نارضایی های  
عمومی را بگیرند ، پرمبنای  
چه اصل و اندیشه ای عناگهان  
تصمیم به بستن مراکز آموختش  
های فرهنگی و هنری کانون  
میگیرند و لاجرم به خدمت بیش  
از دویست و پنجاه تن کتابدار  
و مردمی و کارمند دفتری و  
غیر دفتری خاتمه میدهند یا به  
قول خودشان با ایشان قطع  
رابطه میکنند ؟ آیا ممکن است  
فکر کرد که دیگر تعلیم و تربیت  
و سرگرم کردن نوباوگان  
پایتخت ، بخصوص در محلات  
پر جمعیت جنوب شهر ، و در  
شهرستانها که از کلیه وسائل  
تغییر و ترقی مرسوم نه  
جلو در کانون ایستاده و  
پلاکارد هایی با مضامین  
اعتراض آمیز به اخراج مدهای  
از کارکنان کانون در دست  
دارند و پیدا است که این  
تظاهرات به رسم همبستگی و  
همدربی با قریب دویست و  
پنجاه تن از کتابداران و مردمیان  
و کارمندان اخراجی است که  
در طبقه هفتم ساختمان ، در  
سالن کنفرانس به عنوان  
اعتراض به اخراج بدلیل خود  
محض شده و بستنشسته اند  
مجب آنکه من هم اکه گویا  
یکی از آن اخراجیان هستم  
خبر اخراج خود را دیروز  
در روزنامه آیندگان خواندم  
و امروز هم اعتراض به  
اخراج خود را روی پلاکاردي  
در دست تظاهر کنندگان دیدم  
و فهمیدم که این صابون  
سوزندۀ به جامه من هم خورد  
است .

هیچ اعتراضی به اخراج خودم  
در صورت صحت - ندارم  
و نیازی هم به چنین اعتراضی  
نمی بینم : موسسه‌ای است  
فرهنگی و هنری که زمانی  
حس میکرد به کمک های فکری  
و معنوی مترجم و ویراستار

فرانسه دانی چون من احتیاج  
دارد و مرا که عضو بازنشسته  
وزارت خانه‌ای بودم با توجه  
به سابقه طولانیم در خدمت به  
ادب و فرهنگ فارسی و با  
آشنازی به انداز شهرت بینجا  
یا نایابیم در آشنا کردن فارسی  
زبانان با ادب و فرهنگ مغرب  
زمین با خواهش و درخواست  
و با شرایط قراردادی کاملا  
مساعد به حال من بخدمت  
نیوتن کرد و کار این محبت  
و همراهی را تا به آنجاییش  
برد که وقتی در او ایل سال  
۱۳۵۴ به بیماری سرطان گلو<sup>۱</sup>  
مبلا شدم مرا با هزینه خود  
به بهترین بیمارستان متخصص  
در این زمینه به آلمان فرستاد  
و بدست بهترین و کارآزموده  
ترین جراح تُو سپرد. چنانکه  
از ۲۰ نانه از این ازدواج

میتوانم با سما در دل خم .

در همان فرصت بود که وقتی جراح آلمانی صریحاً به من گفت به سلطان گلو مبتلا هستم و در صورت عمل گلو دیگر قادر به حرف زدن نخواهم بود با آنکه در خفغان دوران طاغوتی میزیستیم به پزشک آلمانی جواب دادم : «حرف نزدن من مهم نیست ، چون ما ایرانیان در کشوری زندگی میکنیم که حرف زدن در آنجا قدفن است» و این جواب را در بازگشت در همه جا و برای همه تعریف میکردم و شیوع فواید العادمی، سنا کده بود .

برای شما که خود را در سریعی پنهان تشكیلات ، امروز با تغییراتی که در مشی کلی اداره مملکت پیدا شده و بانیازی که لابد به صرفمجویی در هزینه های خود می بیند بعید

مترجم یا ویراستار عربی مدن  
شیازی حس نکند و بخدمتم  
خاتمه بدهد . من بهیجو جه  
خودم را از کانون طلبکار  
نمیدانم و معترفم که کانون  
بیش از ارج خدماتم - کمتازه

(شرکت سهامی عام) در ۱۳۵۸ ربیع‌الاول و مجمع عمومی عادی سالیانه در مرکز سابق) شماره ۵۶۳ تشکیل شرحت دعوت می‌شود که با توسط نمایندگان تام‌الا، حضور به مرسانند.

دستور جلسه بقرار

کم از خدمات هیچیک از کارمندان دیگر نیست - بنن محبتکرده است .

بمیزان همین شنیدرقاز حقوق  
از ترجمه آثار ادبی و هنری  
که حرفه من است در می-  
آورم.

۳- انتخاب اعضاء ۴- انتخاب بازرسان ۵- تعیین روزنامه	مالی ۱۳۵۷
--	-----------

مدت این سی سال دارم  
کرده‌اند اجر زحمات را با  
محبت‌ها و تشویق های  
خود داده‌اند از جامعه نیز  
که يحتمل بیش از محیط  
محدود کانون از خدمات  
بهرمند بوده است طلبی ندارم

و حقی برای خود قابل نیستم که بخواهم برای خود گلای از وضع داشته باشم.  
لابد خواهید پرسید پسچه حرفی داری ، بمچه منظور قلم بدست گرفتمای و چرا به اعتراض برخاسته‌ای ؟ آری، به اعتراض برخاستمam و هم امروز پهانکارندان اخراجی مرکب از کتابداران و مریبان فرهنگی و هنری و کارگنان



## تکلیف‌اینهمه «باید»‌ها و «شود»‌ها با یدروشن شود

هرگونه اینهمه که حق شناسائی و تعریفه  
انتخاب گردند را از مردم بگیرد ضمیر مدین است.

و تمام طبقات رای دهنده  
تصمیم گیرنده از نظر و تحریر  
تجسس، شناسخت و اپرا  
عفیده سالم باز می‌یابند مقدار  
مهمند و حق اینکار

دا همانگونه که امکن‌بخشی  
ریهی بر انتشار و مشکاف  
و روشنین اتفاقات اسلامی  
ایران فرمودند سکنین‌ترین  
و طبقه‌ها بuous روحاًیت  
آن‌ها می‌شود و روحاًیت  
آن‌ها می‌شود و روحاًیت

ازند راهنمایی مغایر  
اندیشه راهنمایی مغایر  
یکی است در نظر نزدیکی  
نهاد و علی و شور و  
شناخت، تلقیق و غایبی  
یا ناشی از آن حرفی  
نمی‌دانند از درخواست  
نمی‌دانند از درخواست

ریهی است که در حال حاضر و  
آن‌ها راهنمایی مغایر  
یکی است در نظر نزدیکی  
نهاد و علی و شور و  
شناخت، تلقیق و غایبی  
یا ناشی از آن حرفی  
نمی‌دانند از درخواست  
نمی‌دانند از درخواست

برای تعییز صالح از ناصیحه  
شریف از شیر و خام از  
خانی تجسس و نظری را  
ضروری نمی‌دانند تا  
با پذیریدن انسان‌های مدقیق  
او لا پاکسازی‌گر طبعی طبیعتاً  
انجام داده و ثانیاً شرفو  
احلال مردم را بشور و  
سوق آورد. باید برای  
اجرام انتسابات چنان‌چه  
فرصت قانون اساسی را  
شدن کارنامه زندگی را پس از  
هم مردم باقی کاشت تا

با تکرار و مداومت این  
صحنه امتحان راستین متن  
حقایق مظلوب شده در ظاهر  
مکنین قدرت خوبی خواهد  
بست عربان گند. تا ضمن  
زیکه اجتماع و شناسائی  
در اختار چین فاؤنوسی  
مواد آن شاد و با تکلیف  
منعی بر اساس روحی و قاطع  
دقیق قانون اساسی را

همشکم بد و نکته زیرا شده  
نمی‌شود. نکته زیرا شده  
نک و ضمن انجام تمدن  
توجه با عدم توجه آن را  
بعد مسویین امرد و تویین  
و صوصی قانون بگذراند  
هم خوش آیند نیست و

بیدن‌رسان سند زندگی به  
دست رویکار قضاوت  
آیندگان سیده باشد.

به غده بیش دو نیوی  
قانون اساسی جدید دو نیوی  
فاحش و شنایدی دارد.

اول. مانند همان قانون  
سازی‌ها دشنه که کردوس  
با حقوق معموه خوشی  
بیگانه خود ماند

مشتعله بود؛ خنثیت  
شده است. اگر در هنر  
قانون اساسی نی‌تملی  
کردن است. این موضع  
نیل محدود است قدرت هی  
مظلفه شاه یک صفات

اعجمیتی چشم‌گذار می‌شود  
و خودی دارد. شفاته  
آجرانی این بود خود چیزی  
اساس آن شاه خلاکار و

دشمن و مسنه و قانون  
شکن از مردم خوانی و  
وی‌تولوی و مسنه و شنایدی دارد :

در ریم سلامی می‌شود و  
شراحتهای علماتی تکاری  
تباشی بعثت ترقیه و نفاق  
روایتی اینکه همانند

در موادی خوبی و اگر نامی  
این شایی زیان‌خش راندیده  
می‌چیک از مردم امسوز  
و خود را مدارن مداری ای :

گفت و کار نهاده که در  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

می‌شود و کار نهاده  
مکنین با اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را

آنکه می‌کند و در هر  
این شایی زیان‌خش راندیده  
بکسر و کار نهاده ای :

اینکه اینکه اینکه  
کرد و آنکه انتخاب می‌شود

شود با اینکه خدمت هر  
شناختی می‌کند. اگر  
در کنکشن‌های راه را





